

## متن سخنرانی آقای حسین یزدانپناه دبیرکل اتحاد انقلابیون کوردستان در سمینار مشترک اینترنتی احزاب و سازمانهای ملل تحت ستم ایران، درباره‌ی مسئله‌ی ملی‌در ایران

این سخنرانی در میزگرد مشترکی با شرکت شماری از احزاب و سازمانهای سیاسی ملت‌های تحت ستم ایران، در تاریخ 2004/5/28 در پالتاک ایراد شده است. نظر به اهمیت مبحث، مفاهیم و مواضعی که در این سخنرانی مطرح گردیده است و با توجه به اینکه بحث مسئله‌ی ملی و فدرالیسم در ایران، هر روز حادثتر می‌گردد، بنا به درخواست تعدادی از دوستان از گفتار به نوشتار تبدیل شده تا بطور کتبی در اختیار علاقمندان قرار گیرد. سخنرانیهای این میزگرد بطور کامل در سایت [www.ruk2691.org](http://www.ruk2691.org) قرار دارد.

### بخش اول:

با عرض سلام و شب بخیر به دوستان عزیز، هم‌هی شرکت کنندگان در این سمینار و با تشکر از دوستانی که این ابتکار را به خرج دادند و برای اولین بار توانستند سازمانهای سیاسی متعلق به ملل تحت ستم ایران را دور یک میز اینترنتی فراهم بیاورند. من نمی‌خواهم به تشریح هم‌هی مواضع مشخص سازمانمان بپردازم، سعی خواهم کرد به آنچه جنبه‌ی عمومی دارد بپردازم. صورت مسئله واضح است. از اواخر حکومت قاجارها در ایران و با شروع حکومت رضاخان پهلوی یورش وسیعی هم‌هی مناطق ملی را در برگرفت. بلوچها، آذریها، ترکمنها، کردها و عربها مورد یورش قرار گرفتند. رضاخان می‌خواست که یک دولت متمرکز ایجاد بکند. این اقدام رضاخان از میان خون و اعدام و غارت ملت‌های تحت ستم ایران گذشت. ولی این یورشها و سرکوبها نتوانست مسئله‌ی ملل تحت ستم ایران را برای همیشه لغو واز بین برد. حکومت رضاخان فقط نمی‌خواست که حکومت‌های ملی را که تا آن وقت به نوعی کماکان وجود داشتند به اطاعت در بیاورد. بلکه علاوه بر آن سیاستی را که ایشان تعقیب می‌کردند برای یک دست کردن ایران، برای ایجاد تمرکز دولتی شدید در مرکز و خطر ناکتر از همه برای ذوب کردن ملل غیر فارس در این ملت بود. این سیاست با مقاومت ملل تحت ستم ایران مواجه شد و قیام‌های مهم و بزرگی از کوردستان و آذربایجان گرفته تا بلوچستان و خوزستان و ترکمنصحرا صورت گرفت و می‌بینیم که بعد از شهریور بیست این قیامها و این مبارزات منجر به ایجاد جمهوری‌هایی در آذربایجان و کوردستان شدند.

سیاست رضاخان را رژیم گذشته ادامه داد و این سیاست را هم اکنون جمهوری اسلامی ادامه می‌دهد، سیاست سرکوب ملل تحت ستم و ابقای رژیم سانترالیستی و غیر دمکراتیک در ایران.

از نظر ما در شرایط کنونی که اوضاع جهانی می‌تواند در خدمت رهایی ملل تحت ستم باشد، دیگر زمان و عصر به‌انقیاد کشیدن ملتها تمام شده و عصر کنونی، عصر آزادی و کسب حق تعین سرنوشت همه ی ملل در جهان است.

به نظر ما راه حل نهایی مسئله‌ی ملی در بهترین شکلش و در نهایتش همان بر خورداری از حق تعین سرنوشت و تشکیل دولت مستقل ملی است. ما این را هم حق مسلم ملت کورد می‌دانیم و هم حق مسلم همه‌ی ملل تحت ستم ایران و همه‌ی ملل جهان. روند تغیر و تحولات به این سو می‌رود، اراده‌ی انسانها، اراده‌ی ملتها از مرزهای ساختگی مقدس تر است. البته وقتی این را مطرح می‌کنیم درعین حال فراموش نخواهیم کرد که با واقعیات سیاسی مواجهیم و تغیر مرزهای ملی شناخته شده به تنهایی نمی‌تواند درگرو خواست و اراده‌ی ما باشد، بلکه احتیاج به این دارد که علاوه بر شرایط ملی، شرایط بین المللی نیز برای این تغیر و تحولات آماده باشد. بنابراین از نظر ما بهترین راه حل و مناسبترین راه حل در شرایط کنونی با حفظ این اعتقاد که حق تعین سرنوشت ملل، حق مسلم همه‌ی ملتهای ایران است“ يك نظام و سیستم فدراتیو را در ایران پیشنهاد کرده‌ایم و فکرمی‌کنم ملت کورد در کوردستان شرقی، در کوردستان تحت ستم ایران در این شعار متفقند. به نظر ما بهترین شرایط فراهم شده که همه‌ی ملل تحت ستم ایران همراه با ملت فارس در ایران بتوانند يك ایران دمکراتیک و فدراتیو را ایجاد کنند.

ملت ما حدود پنج قرن است بعد از اشغال کوردستان توسط امپراطوریهای صفویه و عثمانی برای کسب حق تعین سرنوشت خودش در تلاش و مبارزه است. شرایط کنونی شرایطی است که ما امیدواریم ملت ما بتواند در کنار دیگر ملل تحت ستم ایران هم از طرفی حقوق ملی خودش را کسب بکند و هم به دمکراتیزه کردن ایران کمک کند. ما در این زمینه بر پاره‌ای اصول و پرنسیپها تأکید داریم و به خاطر اینکه وقت محدود است، سعی میکنم روی این اساس و پرنسیپها تأکید بکنم. وقتی از فدرالیزم صحبت می‌کنیم، ما فدرالیزمی را محق می‌دانیم، فدرالیزمی را برای حل مسئله ملی در ایران مناسب می‌دانیم که بر پایه‌ی ملی باشد. فدرالیزمی که حقوق ملی ملل ایران را تأمین و تضمین کند. فدرالیزمی که سرزمین مادری ملل تحت ستم ایران را به رسمیت بشناسد. همه‌ی ملل ایران در تشکیل دولت مرکزی سهیم شده و قانون اساسی ایران از نو نوشته شود و برای همیشه به حکومت و دولت سانترالیستی خاتمه داده شود. قانون اساسی باید با شرکت همه‌ی ملل تحت ستم ایران و با به رسمیت شناختن حق تعین سرنوشت همه‌ی آنها در يك اتحاد آزادانه، يك بار دیگر تدوین شود.

ما ملل تحت ستم ایران در يك سیستم فدراتیو می‌توانیم زندگی مسالمت آمیز و آزادی داشته باشیم. ولی هر وقت هر کدام از این ملل به هر دلیلی بنابر خواست خویش، بنابر خواست اکثریت آن جامعه، خواهان استقلال و جدائی از این فدراسیون شد، باید در کمال صلح پذیرفته شود.

من لازم می‌بینم بر روی پاره‌ای مفاهیم تأکیدیاتی چند داشنه باشم. پیشنهاد می‌کنم به همه‌ی دوستان، همه‌ی احزاب متعلق به ملل تحت ستم ایران عبارت اقلیت ملی را از ادبیات خود بردارید و در هیچ جائی این را نپذیرید که بلوچ، آذری، ترکمن، عرب و کورد در ایران اقلیت ملی هستند. ما اقلیت ملی نیستیم. ما به معنای تمام لغت ملت هستیم. از جانب دیگر ما اطلاق قوم یا اقوام ایران را به ملل ایران ناصحیح می‌دانیم. در پشت این کلمه‌ها عبارت يك هدف سیاسی نهفته است و این هدف سیاسی در واقع انکار وجود خلقهای متعدد و انکار کثیر الملل بودن ایران است.

ما در ایران فقط با رژیم جمهوری اسلامی سروکار نداریم، رژیم جمهوری اسلامی پاسدار يك سیستم ساترالیستی است که این باید شکسته شود، علاوه بر این، متاسفانه در صفوف نیروهای اپوزسیون هنوز نیروهایی وجود دارند که علیرغم مخالفتشان با رژیم گذشته و رژیم کنونی ولی هیچ گاه نتوانسته‌اند مسئله ملی را در ایران واقع بینانه و آنچنان که هست ببینند. بنابراین ما با این طیف از اپوزسیون هم طرف هستیم. همکاری و هماهنگی مامل تحت ستم ایران می‌تواند هم مبارزه‌ی رهایی بخش و آزادی‌خواهانه را در تمام ایران تقویت بکند و هم عرصه‌ها بر شووینیزم ملت غالب تنگ بکند و این شووینیزم را به عقب نشینی وادار کند و در جهت احقاق حقوق ملی همه‌ی ملل ایران و دمکراتیزه کردن ایران اقدام موثری باشد.

از تأکیدات دیگر ما این است که سرنوشت هیچ ملتی را در ایران نباید به انتخابات عمومی سپرد. هر ملتی علیرغم تعداد آن باید تنها مرجع تصمیم گیرنده در مورد سرنوشت سیاسی خویش باشد.

ما از طرف دیگر حقوق شهروندی را فی‌النفسه به عنوان آلترناتیو حقوق سیاسی ملل تحت ستم، قبول نداریم. حقوق شهروندی در يك جامعه‌ی مثلاً مستقل بلوچستان یا در يك آذربایجان فدرالی یا در يك کوردستان مستقل، پرنسیپ لازمی است، و جزئی است از پرنسیپهای يك دمکراسی واقعی، ولی حقوق شهروندی را ما به عنوان راه حل مسئله‌ی ملی نه تنها قبول نداریم بلکه نخواهیم پذیرفت.

از دیگر تأکیدیاتی که ما در این مورد داریم، این است که همچنان که حالا در میان سازمانها و احزاب کوردستان ایران مذاکرات و گفتگو برای ایجاد يك ائتلاف یا جبهه‌ی کوردستانی وجود دارد، ما پیشنهاد می‌کنیم که سازمانها و احزاب دیگر ملل تحت ستم ایران بتوانند به

چنین مذاکراتی با هم رو بیاورند تا بتوانند اراده‌ی سیاسی ملت خودشان را در یک جبهه یا یک ائتلاف تعریف بکنند. علاوه بر این ما پیشنهاد می‌کنیم که همین ملل که نمایندگان شان یا بخشی از نمایندگانشان در این سمینار شرکت دارند بتوانند یک کمیته‌ی هماهنگی با هراسمی که رویش گذاشته می‌شود برای هماهنگی و همکاری مشخص ملل تحت ستم ایران تشکیل بدهند. همچنین در یک جبهه‌ی دمکراتیک سراسری وجود نمایندگان ملل تحت ستم می‌تواند از طرفی تضمین گر حقوق ملی‌اشان در ایران آینده باشد و از طرفی دیگر حافظ دمکراتیزه کردن ایران.

به طور کلی در یک سیستم فدرالی هم دولت دمکراتیزه می‌شود و هم کشور فدرالیزه می‌شود. از طرفی حقوق ملل تحت ستم تأمین می‌شود، از سوی دیگر دمکراسی تضمین می‌گردد. تا از چنین قدرت و سانترالیسمی که حالا وجود دارد شکسته نشود و مابین ملل ایران تقسیم نشود، از دمکراسی در ایران خبری نخواهد بود.

بخش دوم:

ما یک بار دیگر بر اصول کلی اعتقاداتمان تأکید می‌کنیم. به نظر ما ستم ملی حقیقتی موجود است در ایران. رفع این ستم ملی می‌تواند به دو شکل باشد. یکی در چهار چوب ایران، که در این صورت جزبایک سیستم فدراتیو بر اساس ملی و جغرافیایی که وجود و حقوق همه‌ی ملل این سرزمین را رسمیت بشناسد و سرزمینهای متعلق به همه این ملل را به رسمیت بشناسد و قانون اساسی ایران یک بار دیگر با حضور همه‌ی ملل ایران تدوین گردد، و در این قانون وجود و حقوق همه‌ی ملل به رسمیت شناخته شود، آلترناتیوی وجود ندارد. در شکل دوم می‌تواند این حقوق در خارج از مرزهای ایران بدست بیاید، به طوری که همه‌ی ملل ساکن ایران بتوانند حق تشکیل دولت مستقل را داشته باشند. ما در آن صورت می‌توانیم به عنوان ملل همسایه و برادر با هم دیگر در ساختن خاورمیانه‌ای جدید مشارکت داشته باشیم.

ما حق همه‌ی ملل ایران را در تشکیل دولت مستقل به رسمیت می‌شناسیم، و خواهان این هستیم که همه ملل ایران هم حق ملت کورد را در تشکیل دولت مستقل خودش به رسمیت بشناسد. تا زمانی که همه‌ی ملل ایران، مایل به این باشند که در چار چوب ایرانی دمکراتیک و فدرال با همدیگر زندگی بکنند و حقوق متساوی را تضمین بکنند ما حاضریم در این چار چوب بمانیم. در صورتی که به هر دلیلی ملت کورد در چار چوب ایران نتواند به حقوق خود برسد، حقوقی که خودش تعیین خواهد کرد ما در خارج از مرزهای کنونی ایران در فکر تأمین حقوق حقه‌ی ملی مان خواهیم بود.

در دست گرفتن حق تعیین سرنوشت بدون پشتیبانی احزاب و نیروهای دمکراتیک ملت فارس زحمت خواهد بود. ولی می‌خواهم تصریح بکنم که راضی نیستیم سرنوشت مردم کوردستان ( این حق را به ملل دیگر هم می‌دهیم) به مسئله‌ی دمکراسی و به امر انتخابات عمومی در ایران گره داده بشود. هر ملتی در ایران باید حق این را داشته باشد که خودش سرنوشت سیاسی خویش را تعیین بکند.

یکبار دیگر از همه‌ی شما متشکرم، بر همه‌ی دوستان سخنران درود می‌فرستم، بر نمایندگان خلقهای برادر عرب، آذری، بلوچ و ترکمن درود می‌فرستم. همه را به خدا می‌سپارم. شبستان بخیر!

[www.ruk2691.org](http://www.ruk2691.org)

ruk2691@hotmail.com